



قاموس المعارف

قاموس المعارف؛ آیت‌الله میرزا محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی؛ زیر نظر
حجت‌الاسلام علی‌رضا سبحانی؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۳.

شیمیا و کیمیا و لیمیا و همیما و سیمیا و ریمیا^۱ و جغرافیا.

مرحوم مدرس که از سال ۱۲۹۶ تا ۱۳۷۳ قمری به تألیف آن مشغول بوده، شرح این

مداخل را از کتب بسیاری گرد آورده که در متن به نام بالغ بر صدوپنجاه عنوان از منابع مورد استفاده‌اش یا مؤلفان آنها اشاره کرده است و کتاب را در شش مجلد، در چهارهزاروهفت صفحه به قطع وزیری تدوین نموده است.

علامه در مقدمه کتاب رساله مستقلی در دستور زبان فارسی، سیر این زبان از گذشته تا امروز و رسم الخط نگاشته و همچنین روش خود در تألیف قاموس المعارف و چگونگی یافتن واژگان در آن را ذکر کرده است.

هدف وی از تدوین دستور زبان، راهنمایی خواننده برای تشخیص مشتقات مصادر و دیگر ساختارهای کلمات است؛ زیرا در قاموس فقط مصادر آنها را شرح کرده است.

پس از مقدمه، متن قاموس المعارف را بر اساس حروف الفبا به سی و دو «انجمن» تقسیم نموده که مداخل با توجه به حرف اول در این انجمن‌ها جای گرفته‌اند. سپس هر انجمن را به چند «آیین» تقسیم کرده و واژگان هر انجمن را با توجه به حروف دوم در این آیین‌ها قرارداده است.

ایشان کلمات مرکب را نیز بیشتر در ذیل مدخل جزء اول قرار داده است. برای مثال: ذیل مدخل «آل» ترکیبات «آل بویه»، «آل تمغا»، «آل

۱. کیمیا (علم صناعت)، لیمیا (طلسمات)، همیما (تسخیرات)، سیمیا (علم روح) و ریمیا (علم شعبده بازی) که هر پنج مورد از علوم خفیه به شمار می‌روند.

آیت‌الله میرزا محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی

آیت‌الله میرزا محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی در سال ۱۲۹۶ ق در تبریز به دنیا آمد و مقدمات ادب عربی، فقه، اصول و ریاضیات را در مدرسه طالبیه فراگرفت. سپس علوم معقول را در محضر آیت‌الله میرزا علی لنکرانی و خارج فقه و اصول را در مکتب آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن مجتهد (انگجی) و آیت‌الله میرزا صادق مجتهد تبریزی آموخت و توانست از حضرات آیات سید محمدحجت کوه‌کمره‌ای، سیدصدرالدین صدر، میرزا محمدعلی شاه‌آبادی تهرانی، سید هبه‌الدین شهرستانی و حاج آقا بزرگ تهرانی اجازه اجتهاد و روایت دریافت کند.

وی در عمر پربرت خود آثار گرانمایی در علوم مختلف دینی و نیز در لغت و ادب پدید آورده که از آن جمله است: ریحانة الادب فی تراجم احوال المعروفین بالکنیة او اللقب، کفایة المحصلین فی تبصرة احکام الدین، حیاض الزلائل فی ریاض المسائل، دیوان المعصومین، فرهنگ نوبهار، فرهنگ بهارستان، فرهنگ نگارستان و قاموس المعارف.

علامه مدرس تبریزی در اواخر عمر به مدت دوازده سال در مدرسه سپهسالار تهران به بحث و درس و تألیف پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۷۳ ق (مطابق با ۱۳۳۳ ش) به دیدار حق شتافت.

قاموس المعارف

کتاب قاموس المعارف دایرة‌المعارفی است مشتمل بر چهل و پنج هزار مدخل که شامل لغات و اصطلاحات رایج زبان فارسی (اعم از واژگان فارسی و غیرفارسی) در علوم و فنون مختلف می‌شود. علامه در مقدمه کتاب این علوم و فنون را این‌گونه برمی‌شمارد: رمل و جفر و طب و عروض و نجوم و حساب و هیئت و اسطرلاب و تشریح و تاریخ و فیزیک و

معنی کرده و در مدخل الیاز شرح مبسوط آن را نگاشته است. گاه نیز با جمله‌ای به مدخل مترادف ارجاع می‌دهد. برای مثال الویا - (ل) رجوع به لوبیا نمایند.

در مورد بعضی مداخل از جمله ضمائر به بخش اول کتاب، یعنی دستور زبان فارسی ارجاع می‌دهد. برای نمونه:

ام - (چو دل) ... رجوع به نمایش اول از نگارش اول از آیین سیم مقدمه کرده و به نمایش بیست و سوم از نگارش سیم آیین مزبور هم رجوع نمایند.

در مداخلی هم که به چند صورت ضبط شده‌اند، گاه همه صور را در یک مدخل می‌آورد. مانند افریقیا، افریقیه، افریگا، افریگیا، افریگیه.

در مداخلی که دارای چند معنی است تمام معانی‌اش را ذیل همان مدخل نگاشته و حتی در مورد مداخلی هم که به چند صورت تلفظ می‌شود و با تغییر تلفظ معنی‌اش تغییر می‌کند، تمام تلفظ و معنی خاص هر تلفظ را در یک مدخل ذکر کرده است. مانند او - (چو جو) آب و (چو بو) ضمیر غایب.

گاه نیز مداخلی در دو یا چند زبان با معانی مختلف کاربرد دارد که همه آنها را ذیل یک مدخل می‌آورد. مانند آریه - به ترکی، جو و به مغولی، باریک است.

تصحیح و انتشار قاموس المعارف

چنان‌که گفته شد در مقدمه کتاب قاموس المعارف، رساله مستقلاً در دستور زبان فارسی است که مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک‌گیل نسخه مصححی از آن را در سال ۱۳۸۸ با فهرستها و فرهنگ واژگان به اهتمام خانم حمیده حجازی همراه با دو مقدمه در شرح حال مؤلف از استاد آیت الله جعفر سبحانی تبریزی و استاد دکتر مهدی محقق (که هردو بزرگوار از تلامیذ علامه مدرس تبریزی بوده‌اند) منتشر کرد که در چاپ قاموس المعارف که زیر نظر حجت الاسلام علیرضا سبحانی با همکاری علمی آقای محمدصادق زینی‌وند و آقای مجید خسروی انتشار یافته، رساله مذکور و دو مقدمه آن آمده است.

از آنجا که دستور زبان فارسی (مقدمه قاموس المعارف) در نشریه گزارش میراث، سال پنجم، شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۹۰ به قلم دکتر بهروز محمودی بختیاری به طور کامل معرفی شده است، در اینجا فقط به روش مصححان در متن قاموس پرداخته می‌شود. مصححان در متن این تصحیحات و تغییرات را اعمال کرده‌اند:

- افتادگی‌ها در ذکر وزن مداخل و یا معنی و شرح آن را با استفاده از منابع دیگر مرتفع کردند.

- علامه در ترجمه اعلام به ریحانة الادب ارجاع داده که مصححان توضیح مورد ارجاع را ذکر کرده‌اند.

گون» و «آل معصفر» را شرح کرده و پس از اتمام آن، مدخل «آلا» شرح شده که به لحاظ الفبایی بعد از «آل» است. (به لحاظ صفحه‌آرایی نیز در نسخه چاپی، فاصله ترکیبات با حاشیه صفحه بیشتر از فاصله مدخل اصلی است)^۲

بعد از ذکر مدخل و گاهی برای نشان دادن وزن آن، حروف را حرکت‌گذاری کرده و گاه کلمه مشهور هم وزنش را با ادات تشبیه «چو» ذکر نموده: بیغا - (چو صحرا) مرغ طوطی.

مدخل یا مداخل بعدی، مادامی که با همان وزن قبلی قابل قرائت باشد، اشاره‌ای به وزن آن نمی‌کند. (علامه مدرس در مقدمه کتاب، جداولی حاوی وزن و کلمات مشهور آورده تا راهنمای خوانندگان باشد)

گاهی نیز بعد از مدخل، حرفی درج شده که نشانه این ویژگی‌ها است: «ر»: نشانه مشهور بودن وزن است. مانند اریعه - (ر) به عربی، عدد چهار است.

«ل»: نشانه مجهول بودن وزن است. مانند اراقوسیا - (ل)، نام یونانی سجستان ...

«ف»: (معمولاً بعد از «ر») نشانه معروف بودن و بی‌نیاز از شرح است. مانند بنا - (ر.ف) که به پارسی لاد گویند.

«ع»: نشان دهنده این است که مدخل از اتباع محسوب می‌شود. مانند باستار و بیستار - (ع) استعمال آن در اوصاف مجهوله شایع و چنانچه فلان و بهمان را جداجدا نیز استعمال کنند، بعضاً باستار و بیستار را نیز جداجدا استعمال نمایند ...

همچنین در مورد منشأ زبانی لغات دو روش پیش گرفته است. گاه در شرح به آن اشاره میکند مانند آلتون - به ترکی، زرو و طلا و کنیز است.

و گاهی نیز در پایان شرح با این علائم اختصاری بیان می‌کند:

علامت	تین	سر	سه	عر	کی	مغ	می	نان	ند
زبان	لاتین	سریانی	فرانسه	عربی	ترکی	مغولی	رومی	یونانی	زند

مانند اسالیون - تخم کرفس کوهی. (نان)

گاه نیز کلمات لاتین را با حروف لاتین نیز نشان می‌دهد:

مانند آلیاز (alliage) - الیاز

در مداخل مترادف یک مدخل را شرح داده و در معنی مترادفات همان مدخل را بدون توضیح اضافی، نوشته که برای خواندن شرح باید به همان مدخل مراجعه کرد. چنان‌که در مثال پیشین آلیاز را الیاز

^۲ به این ترتیب ناخودآگاه خواننده را نیز با ترکیبات مختلف یک واژه آشنا می‌کند. البته خواننده این کتاب نیز برای یافتن معنی لغت مورد نظرش، ابتدا باید مفرد و مرکب بودن آن را تشخیص دهد، سپس به جستجوی آن بپردازد.

علیرضا سبحانی نیز در آن آمده است. همچنین حجت الاسلام علیرضا سبحانی مقاله‌ای با عنوان «دانشنامه نگاری به زبان فارسی» تحریر کرده‌اند که مطالعه آن سبب آشنایی مخاطب با پیشینه دایرة المعارف نویسی می‌شود.

مجلد دوم ۴۹۵ صفحه شامل حروف «تا - سغود» و پیشگفتارهای حجت الاسلام علیرضا سبحانی و استاد مهدی محقق است.

مجلد سوم ۶۱۰ صفحه شامل «سف - گیهان خدیو» با مقدمه‌ای از حجت الاسلام علیرضا سبحانی درباره دو مدخل قاموس المعارف و نیز پیشگفتاری از حجت الاسلام حسن طارمی با عنوان «سخنی کوتاه در باب قاموس المعارف تألیف مدرس خیابانی» است.

مجلد چهارم ۵۷۲ صفحه شامل حروف «لا - بیلان» و نیز «ضمیمه» که شامل فهرسی است که مصححان از کتاب استخراج کرده‌اند. این مجلد پس از پیشگفتار حجت الاسلام علیرضا سبحانی، دربرگیرنده مقاله حجت الاسلام رسول جعفریان با عنوان «دایرة المعارف نویسی، از مسیر گذشته تا راه آینده» است. ایشان در پایان مقاله خود یادآور شده‌اند: «پدید آمدن این اثر از دل تبریز، آن هم توسط عالمی فرهیخته و شیعه، نشانگر آن است که تبریزیان با تمام وجود در کنار زبان شیرین ترکی، به فارسی به مثابه زبانی که بیش از هزار و دو بیست سال، زبان علم و ادب و فرهنگ در منطقه وسیع شرق اسلامی بوده عشق ورزیده و پرداختن به آن را به عنوان بخش مهمی از هویت اسلامی و ایرانی تلقی کرده‌اند».

امید است که این معرفی اجمالی ادب دوستان و فرهنگ طلبان را برای استفاده از این اثر علمی گرانسنگ راهگشا باشد.

- منابع مورد استفاده علامه را در ضمیمه کتاب توضیح داده‌اند و در متن هم هر جا اشاره‌ای به نام کتابی شده، مصححان با [ر.ض] به ضمیمه ارجاع داده‌اند. نظیر

آبِس - در برهان [ر.ض] گوید: شهری است نامعلوم....

- چنان‌که پیش از این ذکر شد، مؤلف معانی مختلف مدخل را ذیل همان مدخل ذکر کرده که همگی با «واو» به یکدیگر عطف شده‌اند. مصححان برای جداسازی معانی مختلف، «واو عطف» بین آنها را پررنگ کرده‌اند.

- همچنین توضیح بعضی کلمات نامأنوس و مهجور را در داخل قلاب [] به متن افزوده‌اند. مثل

آبرِس - (ل) نام پارسی ابله [سرو کوهی] است.

و یا به مدخلی دیگر در همین کتاب با علامت [ر.م] ارجاع داده‌اند. مانند

آبریزگان - جشنی است که پارسیان در روز آبریزان [ر.م] کنند.

- در پایان کتاب نیز فهرست آیات قرآن کریم، فهرست منابع قاموس المعارف (کتب) و فهرست منابع قاموس المعارف (اعلام) را ارائه داده‌اند.

سرانجام کار سترگ قاموس المعارف که علامه مدرس تبریزی یک‌تنه به تألیف و تدوین آن پرداخته بود، با تلاش شاگردان وی و شاگردان شاگردان وی در سال ۱۳۹۳ به طور کامل در چهار جلد به زیور طبع آراسته شد.

مجلد اول ۴۷۹ صفحه شامل مقدمه (دستور زبان فارسی) و حروف «آ، ب، پ» که علاوه بر موارد مذکور، مقدمه‌هایی از استاد آیت الله سبحانی، استاد مهدی محقق، خانم حمیده حجازی و حجت الاسلام



حماسه حسینی در گستره ادبیات تطبیقی

شاملی، نصرالله و اصغر شهبازی؛ حماسه حسینی در گستره ادبیات تطبیقی؛ قم: مجمع ذخائر اسلامی، موسسه تاریخ علم و فرهنگ، ۱۷۱ صفحه، ۱۳۹۳.

اشاره

ادبیات عاشورایی از غنی‌ترین و حماسی‌ترین ذخایر فکری و هنری شیعه است و برخی از شاعران ایران و عرب همه شهرت خویش را مدیون همین سرمایه فکری - هنری شیعی هستند. شعر معاصر حسینی جایگاه والایی را در ادبیات امروزه به خود اختصاص داده است؛ زیرا توانسته جزئیات واقعه عاشورا را به نسل‌های بعد منتقل کند و موجبات مانایی اشعار عاشورایی را فراهم آورد. از طرف دیگر وجود روح حماسی در شعر عاشورا کلیدی برای مبارزه علیه ظلم و ستم گردید و همین امر مبدأ و سرآغاز رستاخیزی در ادبیات ایران و عرب گشت.^۱

جایگاه «شعر عاشورا» در میان شعر شیعی، همچون نگینی درخشان در حلقه ادبیات مکتبی است. پرداختن به عاشورا با زبان شعر هم توصیه امامان شیعه بوده است، هم مورد ستایش و تقدیر و تشویق آنان. فضیلت‌هایی که برای سرودن شعر برای حادثه عاشورا و احیای آن واقعه با زبان شعر بیان شده، انگیزه بسیاری از شاعران شیعی و علاقه‌مندان به اهل بیت برای سرودن «مراثی عاشورا» گشته است.^۲

شعر عاشورایی به شعری گفته می‌شود که درباره قیام الهی حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، مبتنی بر شهادت ایشان و یارانشان، توصیف شخصیت‌های عاشورا، توصیف صحنه‌های جنگ کربلا، حوادث قبل و بعد از آن و نیز پیوند تاریخ و تطبیق تاریخ با آن حادثه سخن می‌گوید. با همه گستردگی حماسه عاشورا در پهنه زمان، همواره با یک نگاه و از یک منظر بدان نگریسته نشده؛ یعنی توزیع آن در زمان موجبات تأثیرپذیری آن از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقلیمی گشته است و به همین دلیل در هر برهه، جلوه‌های گوناگونی از آن آشکار شده است.

پرتوهای حماسه پرشور حسینی، معنویت و روحانیتی عظیم در ادبیات

ایران زمین پدید آورده است. وقتی به شعر فارسی در دیوان شاعران در روزگاران مختلف می‌نگریم، اشعار زیادی را - به ویژه پس از دوره صفویه - در

رثا، مدح و ستایش امام حسین (ع) و یارانش می‌یابیم؛ اشعاری که از قلب‌ها تراویده و بر دامان ادبیات نگارین گشته است.

در طول تاریخ تشیع موضوع عاشورا یکی از داغ‌ترین اشعار متعهد و عاطفی - رثایی شاعرانی چون کمیت، دعبل، ابوفراس، شریف رضی، ابن عرندس، بن جزار و... بوده است. در واقع بیشتر شعرای شیعی به گونه‌ای به رثای امام حسین (ع) در اشعار خود پرداخته‌اند، اما متأسفانه آنچه در حوزه تحلیل تطبیقی شعر عاشورا مکتوب شده است بسیار اندک است.^۳

در ادامه کتاب «حماسه حسینی در گستره ادبیات تطبیقی» نوشته دکتر شاملی و شهبازی را که در حوزه تحلیل تطبیقی شعر عاشورا نگاشته شده بررسی می‌کنیم.

معرفی کتاب

دکتر نصرالله شاملی در سال ۱۳۳۲ در خانواده مذهبی در شهرضا دیده به جهان گشود. او در سال ۱۳۴۴ به حوزه علمیه قم رهسپار شد و تحصیلاتش را تا خارج فقه و اصول و فلسفه ادامه داد. وی سپس تحصیلات خود را در رشته زبان و ادب عربی و زبان‌شناسی در مقطع دکترا در دانشگاه ادامه داد. اصغر شهبازی دانش‌آموخته دوره دکترا تخصصی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه یزد و مدرس دانشگاه است.

کتاب حاضر توسط مجمع ذخائر اسلامی با همکاری موسسه تاریخ علم

۱. امین مقدسی و ابوالحسن؛ بهشتی زهرا؛ «بررسی شعر عاشورایی در دو ادب فارسی و عربی با تکیه بر شعر شهریار و جواهری»؛ ادبیات پایداری، سال چهارم، سال ۱۳۹۱، شماره ۷، ص ۵۹-۹۴.
۲. محدثی، جواد؛ «شعر عاشورایی»؛ فرهنگ کوثر، شماره ۶۱، ص ۴۰-۴۶.

۳. امین مقدسی، ابوالحسن؛ بهشتی زهرا؛ «بررسی شعر عاشورایی در دو ادب فارسی و عربی با تکیه بر شعر شهریار و جواهری»؛ ادبیات پایداری، سال چهارم، ۱۳۹۱، شماره ۷، ص ۵۹-۹۴.

ظهور نهضت ترجمه و پیدایش مدارس علمی و کتابخانه‌هاست. در این دوران شاعران نام‌آور و دارای سبک شعری برجسته پا به عرصه نهادند.

شعر حسینی از قرن هفتم تا پایان قرن نهم: با سیطره حاکمان مغول بر سرزمین‌های اسلامی، توجه به شعر کم می‌شود. به بیان دیگر انحطاط و جمودی کلی بر ادب و شعر این دوران سایه می‌گستراند که شعر حسینی نیز بی‌تأثیر از آن نیست. به طور کلی از حجم این نوع شعر از نظر کمی و کیفی کاسته شد.

شعر حسینی از قرن دهم تا پایان قرن سیزدهم: این دوره از نظر سیاسی با حکومت نسبتاً طولانی عثمانی هم‌عصر است. در این دوره به طور کلی اوضاع ادبیات عربی همچنان در ادامه مسیر پیشین است. شعر آن همچون دوره پیشین به بیماری تصنع لفظی دچار و معانیش تکراری، خالی از روح و راکد است.

شعر حسینی در دوره معاصر: با ورود به قرن چهاردهم صلابت نوگرایی در اشعار عاشورایی به گوش می‌رسد. نوگرایی در سبک، موضوعات و مضامین زینت بخش این نوع شعر است. در این دوره حماسه عاشورا برخلاف دوره‌های پیشین، از حصار مضامین محدود بیرون می‌آید. وقایع سیاسی و اجتماعی تأثیری آشکار در شعر این دوره دارد. به دیگر سخن قیام امام (ع) با مردم و در متن جامعه جلوه می‌کند.

شعر حسینی در ادبیات فارسی همچون نمونه‌هایش در ادبیات عربی دوره‌های مختلف به خود دیده و از فرود و فرازهای مختلف سیاسی، تحولات اجتماعی و فرهنگی گذر کرده است: ۱. دوره پیش از صفویه (از قرن چهارم تا پایان قرن نهم) شاعرانی مثل کسایی مروزی، ناصر خسرو، سنایی غزنوی، عطار، مولانا، سیف و ...

۲. دوره حکومت صفویه (قرن‌های دهم و یازدهم) اهلی شیرازی، محتشم کاشانی، صائب تبریزی، واعظ قزوینی.

۳. دوره پس از صفویه تا پایان قاجاریه (قرن‌های دوازدهم و سیزدهم) عاشق اصفهانی، قآنی، وصال شیرازی، یغمای جندقی، فدایی مازندرانی، عثمان سامانی.

۴. دوره معاصر (از ۱۳۰۰ هجری شمسی به بعد) موسوی گرماردی، طاهره صفارزاده، علی معلم، سیدحسن حسینی، قیصر امین پور و ... «مروری بر اشتراکات ادبی عراق و ایران» عنوان فصل دوم کتاب است. در این فصل پس از آشنایی با مفهوم ادبیات تطبیقی و حوزه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی، عاشورا در گستره ادبیات تطبیقی بررسی می‌شود.

اوضاع ادبی عراق و ایران در سده اخیر و اشتراکات ادبی عراق و ایران از مباحث بعدی است که مقدمه‌ای برای ورود به بحث اصلی هستند.

و فرهنگ منتشر شده است. مجمع ذخائر اسلامی^۴ در سال ۱۳۵۵ با مدیریت حجة الاسلام سیداحمد حسینی اشکوری با هدف سامان‌یابی امر تحقیق و ترجمه متون اصیل اسلامی آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۷۶ با مدیریت سیدصادق آصف‌آگاه با هدف احیای فرهنگ کهن در قالب نسخ خطی، اسناد، کتاب‌های چاپ سنگی و سنگ‌نبشته‌های ممالک اسلامی وارد دوره جدیدی از فعالیت‌های خود شد. تاکنون آثار بسیار زیادی توسط ناشر به چاپ رسیده که فهرست کامل آثار در کتاب «۳۸ سال تلاش فرهنگی» منتشر شده است.

برگزاری اولین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق^۵ (۱۴-۱۶ اسفند ۱۳۹۳، قم و تهران) فرصت مناسبی برای انتشار کتب و آثاری با موضوع میراث مشترک دو کشور دوست و همسایه ایران و عراق بود که کتاب حاضر نیز از جمله این کتاب‌ها است.

کتاب «حماسه حسینی در گستره ادبیات تطبیقی» در سه فصل کلی نگاشته شده است. نویسندگان هدف خود از تالیف چنین اثری را اینگونه تشریح می‌کنند: «در این پژوهش بر آن شدیم تا با انتخاب شاعرانی از ادبیات معاصر عراق و ایران و مطالعه در اندیشه و شعر هر یک، چگونگی تبلور این حماسه را به نظاره بنشینیم تا بدانیم که با توجه به اختلاف دو زبان، آیا نگاه آنها به عاشورا نیز تفاوت دارد؟ مضامین مورد توجه و تأکید شعرا چه مضامینی دارد؟ همچنین وجوه تمایز و اشتراک آنها چه بوده است؟ و سؤالاتی نظیر آن که ذهن نگارندگان را برای پاسخ‌گویی به آن‌ها به تلاش و جست‌وجو داشت.»

فصل اول «حماسه حسینی در تاریخ و ادبیات» نام دارد. در این فصل برای ورود به بحث، ابتدا حماسه امام حسین (ع)، اهداف و انگیزه‌های شکل‌گیری و نتایج و دستاوردهای آن به صورت فشرده مرور می‌شود.

سپس شعر حسینی و شعر عاشورایی تعریف و مضامین و درونمایه‌های شعر حسینی بررسی می‌شود و در نهایت از تاریخچه شعر حسینی در ادبیات ایران و عراق به طور مفصل بحث می‌شود.

شعر حسینی در تاریخچه ادبیات عربی در ۵ دوره مختلف بررسی شده است:

شعر حسینی از آغاز تا پایان قرن سوم: اگر به گذشته این نوع از شعر نگاه کنیم، درمی‌یابیم که جوشش آغازین آن همزمان با حادثه شکل گرفته و به تدریج شالوده‌های آن استوار می‌گردد.

شعر حسینی از قرن چهارم تا پایان قرن ششم: قرن چهارم تا ششم دوران شکوفایی و شکوه شعر و ادبیات عربی است که تا حدود زیادی در نتیجه پیدایش زمینه‌هایی است که در دوره عباسی فراهم می‌آید؛ چون آمیزش فرهنگ عربی با فرهنگ‌های دیگر، به ویژه ایران و یونان،

4. www.Mzi.ir , www.zakhair.net.

5. www.iranraqheritage.com.

از میان شاعران معاصر ادبیات فارسی نیز محمدحسین شهریار در شعر سنتی و سیدحسن حسینی در شعر نو مورد نظر قرار گرفته‌اند. این دو شاعر از نظر اشعار عاشورایی با جواهری و جمیل همانندی دارند. شهریار که عشق و ارادت به اهل بیت (ع) در جای جای دیوان سترگش پیداست، با زبانی گرم و دلنشین در سه غزل و دو قصیده و یک مثنوی که در مجموع ۱۶۷ بیت می‌باشد، از امام حسین (ع) و حماسه بزرگ وی یاد می‌کند. سیدحسن حسینی نیز در مجموعه شعر گنجشک و جبرئیل به نظاره این حماسه نشسته و در قالب شعر سپید و نیمایی از این حماسه سخن می‌گوید.

در فصل سوم «مقایسه و تحلیل شعر حسینی شاعران» انجام می‌گیرد. در این فصل با توجه به شناختی که از هر یک از شاعران به دست آمد، شعر حسینی جواهری و شهریار و دو مجموعه‌ی شعری جواد جمیل و حسن حسینی بررسی می‌شود. سپس در ادامه مقایسه‌ی ویژگی‌های کلی این اشعار آورده شده است.

در این راستا قصیده‌های «آمنتُ بالحسین» و «عاشوراء» جواهری با غزل‌های «کاروان کربلا»، «تودیع امام حسین (ع)»، «حضرت علی اصغر (ع)»، و «داغ حسین (ع)» و قصیده «حماسه حسینی» و مثنوی «گل و بلبل اسلام» شهریار و آثاری از جواد جمیل و سیدحسن حسینی بررسی شده است.

در بخش بعد با تبیین موضوعاتی که محوری‌ترین موضوعات شاعران مورد پژوهش بوده است، رویکرد اصلی شاعران شناخته می‌شود. ساختار لفظی و معنوی سروده‌ها و همچنین موضوعات و مضامین سروده‌ها به طور کامل بررسی شده است و در پایان خلاصه‌ای از مطالب کتاب به زبان عربی ارائه شده است.

در ادامه فصل دو ضمن آشنایی با زندگی‌نامه، خصوصیات شخصیتی و شعر شاعران مورد پژوهش، به ویژگی‌ها و نقاط اشتراک و افتراق میان آنها پرداخته می‌شود.

نویسندگان برای دستیابی به نتایجی دقیق و پرهیز از پراکنده‌گویی، برخی از شاعران معاصر عراق که در زمینه عاشورا اشعاری ناب سروده بودند مورد مطالعه قرار دادند که پس از بررسی، محمد مهدی جواهری به عنوان شاعر شعر کلاسیک و حسن السنید، معروف به جواد جمیل، به دلیل داشتن اثری ارزشمند به نام الحسین لغة ثانية در شعر نو مورد توجه قرار گرفت. سپس با پژوهشی در میان شاعران معاصر ادبیات فارسی، محمدحسین شهریار در شعر سنتی و سیدحسن حسینی در شعر نو با اثر مستقل خود در حوزه شعر حسینی به نام گنجشک و جبرئیل انتخاب شد.

محمد مهدی جواهری شاعر پرآوازه عراق با بهره‌مندی از میراث کهن و ناب شعر عربی قدیم و متانت در الفاظ و معانی شعر، زبانزد ادبای معاصر شده است، به گونه‌ای که گاه نام وی با متنبی، شاعر بزرگ دوره عباسی قرین می‌شود. وی در دو چکامه‌ی زیبا با عنوان‌های «آمنتُ بالحسین» و «عاشوراء» در ۱۳۷ بیت نهضت حسینی را به تصویر می‌کشد. اشعار وی از چنان استقبالی برخوردار شد که قسمتی از چکامه‌ی «آمنتُ بالحسین» با آب طلا بر در ورودی حرم مطهر امام حسین (ع) نوشته شد.

جواد جمیل شاعر نوپرداز عراقی نیز با نگاه نو و زبانی نمادین در مجموعه شعری اش به نام «الحسین لغة ثانية» حماسه‌ی عاشورا را به تصویر می‌کشد. این اثر از معدود مجموعه‌های شعری است که به طور خاص به موضوع عاشورا اختصاص یافته است. شاعر بازتاب عاشورا را با موضوعات عصر حاضر پیوند زده و با زبانی نو ترسیم می‌نماید. شناخت و معرفی این اثر در ادبیات آیینی، به عنوان اثری قابل توجه شایسته درنگ و بررسی است.

ظرفیت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب اسلامی در لبنان

ظرفیت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب اسلامی در لبنان؛ مجیدشاکرسلماسی؛ قم: انتشارات ادیان، ۱۳۹۳.

اشاره

کتاب ظرفیت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب اسلامی در لبنان تألیف آقای مجیدشاکرسلماسی به همت انتشارات ادیان (وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب) در زمستان ۱۳۹۳ به زیور طبع آراسته شد. از آنجا که در چند سال اخیر با ظهور گروه‌های تندرو و تکفیری، دنیای اسلام صدمات جبران ناپذیری را به خود دیده است، بازخوانی و گسترش مطالعات و تحقیقات میدانی و عمل به پیشنهادها علمی، دلسوزانه و بی‌طرف می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات فعلی و راه‌حلی برای برون رفت از بن‌بست فکری، اعتقادی و اجرایی موجود باشد.

مؤلف کتاب دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشگاه ادیان و مذاهب بوده و در رشته‌های فقه و اصول، کلام شیعه و تقریب مذاهب تخصص دارد. کتاب بررسی فقهی و حقوقی قاچاق انسان کتاب دیگر مؤلف است. ضمن اینکه چندین مقاله در نشریات داخل و خارج کشور از ایشان منتشر شده است.

معرفی کتاب

کتاب ظرفیت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب اسلامی در لبنان دارای شش بخش است که در این مقاله به گزارش آن خواهیم پرداخت. نویسنده محترم در بخش اول کتاب، مفاهیم و مباحث پایه‌ای و مقدماتی مربوط به تقریب مذاهب اسلامی را بیان کرده است. در این بخش نویسنده ضمن ارائه پیشینه تقریب مذاهب اسلامی، به تبیین مفهوم تقریب مذاهب اسلامی همت گماشته است. وی در این کتاب تقریب مذاهب را بسیار فراتر از تاکتیک و یک نیاز مصلحتی دانسته و آن را یک استراتژی و دارای مطلوبیت ذاتی شمرده است.

وی مفهوم‌شناسی را با مبانی و اهداف و انواع تقریب ادامه داده و چالش‌ها را در دو بعد داخلی و خارجی بررسی کرده است.

بخش دوم در سه فصل به لبنان اختصاص دارد. از نظر مؤلف، شناسایی تاریخ و جغرافیای لبنان و همچنین ورود اسلام و تشیع به این کشور خواننده را در فضای این کشور قرار می‌دهد. از نکات قابل توجه این بخش توضیحاتی در مورد اقدامات و فعالیت‌های امام موسی صدر به عنوان مرجعی برای همه مردم لبنان و بالاخص شیعیان است. وی در ادامه به شناسایی ادیان و مذاهب و جریان‌های سیاسی لبنان پرداخته است. در این فصل نویسنده اشراف خود بر جریان‌های فکری و سیاسی لبنان را به خوبی به خواننده القا نموده و خواننده با خواندن این فصل اطلاعات بسیار مفیدی از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کشور لبنان کسب می‌نماید. خاتمه این فصل به شناسایی مهم‌ترین مؤسسات و مدارس دینی شیعه و سنی اختصاص یافته است که در نوع خود دایرة‌المعارف کوچکی از مدارس علمیه مسلمانان در لبنان است. این فصل به عنوان مقاله مستقلی در شماره ۱۴۳ - ۱۴۴ ماهنامه آیین پژوهش به چاپ رسیده است.

بخش سوم با عنوان ظرفیت‌های تقریب در لبنان و در هفت فصل تدوین شده است. مؤلف از جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان به عنوان یک ظرفیت ویژه یاد می‌کند. وی نامگذاری جمعه آخرین هفته ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز قدس» و میلاد رسول گرامی اسلام به عنوان «هفته وحدت» از سوی امام خمینی را ظرفیتی بزرگ برای تقریب مذاهب اسلامی معرفی می‌نماید. وی درباره ظرفیت حزب الله برای تقریب در لبنان به سخنان شیخ نعیم قاسم، معاون دبیر کل

حزب الله استناد می‌کند و چهارده مورد از فعالیت‌های وحدت‌ساز حزب الله را برمی‌شمرد. در فصل دوم این بخش مرکز تجمع علمای مسلمین لبنان به عنوان یکی دیگر از ظرفیت‌های تقریب معرفی می‌شود. نویسنده محترم در این فصل ضمن بیان اهداف تأسیس، فعالیت‌های مختلف اجتماعی، رسانه‌ای و فرهنگی این مرکز را با خوانندگان به اشتراک می‌گذارد و در پایان ساختار جدید مرکز تجمع که حاصل سازماندهی بهتر پس از پیروزی مقاومت اسلامی در سال ۲۰۰۰ میلادی است را در سه هیأت (هیأت امنای تجمع علمای مسلمین، هیأت اداره تجمع علمای مسلمین، هیأت مرکزی تجمع علمای مسلمین) معرفی می‌کند. در فصل سوم از اعتقادات کلامی و فتاوی علمای شیعه و سنی به عنوان ظرفیت دیگر از ظرفیت‌های بسیار زیاد تقریب در لبنان نام برده می‌شود. در این فصل اشتراکات مذاهب مختلف اسلامی از قول شیخ ماهر حمود در عناوین نه‌گانه برشمرده می‌شود. در فصل چهارم از احترام به مقدسات و ارزش‌های دینی و مذهبی به عنوان ظرفیت تقریبی یاد شده و با ذکر فتاوی از علامه محمدحسین فضل‌الله در حرام بودن بی‌احترامی به صحابه رسول خدا و ام‌المومنین عایشه و همچنین فتوای رهبر انقلاب اسلامی ایران در همین زمینه، از محترم‌شمردن مقدسات و ارزش‌های دینی و مذهبی در تحکیم تقریب در لبنان نام می‌برد. در فصل پنجم جایگاه بسیار والای محبت اهل بیت در بین مسلمانان به عنوان ظرفیت تقریب برشمرده شده است. در این فصل با بیان صحبت‌هایی از علمای اهل سنت در مورد اهل بیت (ع)، رسوخ محبت اهل بیت (ع) در دل‌های همه مسلمانان به خوبی تبیین شده است. در فصل ششم دشمن مشترک به عنوان ظرفیت دیگر برای تقریب در لبنان آورده شده است. در این فصل با ذکر اسرائیل، آمریکا و غرب به عنوان دشمن مشترک مسلمین در لبنان، این دشمن مشترک به عنوان ظرفیتی برای تقریب بیان شده است. در فصل پایانی این بخش به پایبندی به حقوق دیگران در تعامل با اتباع مذهب به عنوان آخرین ظرفیت تبیین شده برای تقریب در لبنان پرداخته می‌شود و با اشاره به برخی فتاوی و اقوال بزرگان که معتقدند در اسلام زندگی مسالمت‌آمیز ادیان و مذاهب و حفظ ارزش‌های انسانی از مهم‌ترین واجبات است و آزار و اذیت و تحقیر مسلمانان و حتی مناقشه در اندیشه و اعتقادات آنان جایز نیست، این موارد را یکی از بهترین موارد برای تقریب و وحدت اسلامی در لبنان می‌شمرد.

بخش چهارم به چالش‌های تقریب در لبنان پرداخته و در شش فصل تدوین شده است. در این بخش فعالیت‌های دشمنان اسلام و «مسلمانان اسمی» و فریب‌خورده به عنوان موانعی در راه تقریب دانسته می‌شود. در فصل اول این بخش از استکبار جهانی و اسرائیل به عنوان اولین چالش در راه تقریب در لبنان نام برده می‌شود. همچنین با ذکر فرمایشاتی از امام خمینی و برخی عالمان لبنان، از

نقش استکبار جهانی و اسرائیل به خوبی پرده برداری می‌شود. در فصل دوم از جریان‌های مذهبی با محوریت سلفی‌گری و وهابیت به عنوان چالشی دیگر در راه تقریب نام برده می‌شود. در فصل سوم ظرفیت جریان‌های سیاسی و اجتماعی در زمینه چالش‌آفرینی مطرح می‌شود و از جریان‌های شیعی و سنی مثل جنبش امل، حزب دروژی دمکرات لبنان، جریان ملی آزاد لبنان، حرکت توحید اسلامی، حزب فتحی یکن، حزب المستقبل، حزب کتائب، جریان سوسیالیست ترقی خواه لبنان، قوات لبنان و جنبش لیبرال شیعه به عنوان چالش‌هایی برای تقریب ذکر می‌شود. در فصل چهارم به عدم اعتنا به مشترکات کلامی بین مذاهب به عنوان چالشی در راه تقریب پرداخته می‌شود. در این فصل با برشمردن مشترکات مسلمانان لبنان، تمسک به این مشترکات، راه حلی جهت برون رفت از چالش ذکر شده در این فصل پیشنهاد می‌شود. در فصل پنجم اهانت و توهین به مقدسات و ارزش‌های دینی و مذهبی یک چالش دانسته شده است. در فصل ششم دشواری مسائل کلامی و ناآگاهی اتباع مذاهب از آموزه‌های مذهب مقابل به عنوان آخرین چالش در راه تقریب در لبنان ذکر شده است. در این فصل با بیان مسائل اختلاف‌زا نتیجه‌گیری شده است که این موارد اختلافات اجتهادی است و نباید با کج‌فهمی و بی‌اطلاعی به نزاع تبدیل شوند.

در فصل پایانی کتاب راهکارها و پیشنهادهایی برای تقویت ظرفیت‌ها و از میان بردن چالش‌ها یا تبدیل آن به فرصت‌های تقریب در لبنان ذکر شده است. عبور وحدت از نشست‌های شعاری و نهادینه شدن آن در بین مسلمانان، تدبیر و هوشیاری در اختلافات سیاسی لبنان، مطالعات علمی و پژوهشی در حوزه‌های علمیه لبنان با موضوع تقریب و وحدت اسلامی، تشکیل حلقه‌های وحدت اسلامی در بین گروه‌های مختلف مسلمانان لبنان و پژوهش‌های علمی در قالب مشترکات اسلامی بین مذاهب اسلامی را می‌توان از جمله راهکارهایی نام برد که مؤلف بدان اشاره نموده است.

در بخش پایانی که به صورت ضمیمه آمده است، مصاحبه‌هایی که توسط مؤلف محترم با شخصیت‌ها و علمای مسلمان صورت گرفته تدوین شده است. مصاحبه با علامه سیدجعفر مرتضی، علامه عبدالامیر قبلان، علامه عقیف نابلسی، علامه محمد یزبک، شیخ نعمیم قاسم، شیخ شفیق الجرادی، شیخ حسان عبدالله، سید علی فضل‌الله، قاضی احمد الزین، شیخ عبدالناصر الجیری، شیخ ماهر حمود، شیخ بلال شعبان و دکتر رضوان السید انجام گرفته است. این مصاحبه‌ها به خوبی دغدغه‌های علمای مسلمان را برای تقریب و وحدت مسلمین در لبنان نشان می‌دهد.

آنجا که امکان سوءاستفاده از این اطلاعات برای دشمنان تشیع و مسلمانان وجود دارد، به نظر می‌رسد اگر نویسنده محترم به صورت کلی‌تر به معرفی این مؤسسات می‌پرداخت مناسب‌تر می‌بود.

۲. در بخش چهارم - فصل دوم صفحات ۲۰۷ تا ۲۱۲ - جریان‌های مذهبی با محوریت سلفی‌گری و وهابیت با توجه به حوادث چند سال اخیر می‌توانست بهتر ریشه‌یابی و تبیین شود، ولی گذارا موضوع مورد بحث قرار گرفته است.

۳. در بخش چهارم و فصل ششم، فصلی با عنوان «دشواری مسائل کلامی و ناآگاهی اتباع مذاهب از آموزه‌های مذهب مقابل» نامگذاری شده است. شاید برای کتابی با موضوع تقریب، مذاهب اسلامی را مقابل یکدیگر تصور نمودن چندان مناسبی نداشته باشد. به نظر می‌رسد نامگذاری فصل به «دشواری مسائل کلامی و ناآگاهی اتباع مذاهب از آموزه‌های دیگر مذاهب» به اهداف کتاب و تقریب مذاهب اسلامی نزدیک‌تر باشد.

نقاط قوت کتاب

۱. انجام تحقیقات میدانی و نوشتن مقالات علمی در مورد موضوع کتاب توسط مؤلف قبل از تألیف کتاب.

۲. حفظ امانت‌داری و رعایت انصاف در نقل‌ها و مصاحبه‌ها.

۳. ارائه مطالب کافی در مورد کشور لبنان و وضعیت جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی.

۴. بیان طیف وسیعی از ظرفیت‌ها و چالش‌ها بدین معنی که نویسنده ظرفیت‌ها و چالش‌های تقریب را از زوایا و چشم‌اندازهای مختلف بررسی کرده است.

۵. ضمیمه مصاحبه با علما و اندیشمندان تأثیرگذار مسلمان لبنان.

ملاحظات

۱. در بخش دوم - فصل سوم صفحات ۱۱۳ تا ۱۳۶ - در مورد مؤسسات و مدارس علمیه شیعه اطلاعات بسیار دقیقاً رایبه گردیده است. از

تازه‌های نگارش و نشر

اباذر نصر اصفهانی

معرفی اجمالی



سفرنامه عتبات، هند و حج

سفرنامه عتبات، هند و حج؛ نوشته سیدمحمدحسین تقوی قزوینی؛ تحقیق و تصحیح محمدعلی باقرزاده؛ تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۴، ۳۲۴ ص.

درباره سفرنامه نویسی

مرحوم حاج میرزا محمدحسین تقوی قزوینی از روحانیون خاندان تقوی قزوینی و از شاگردان مرحوم آیت‌الله میرزا محمود رئیسی از علما و مفسرین بنام قزوین بوده است. وی در سال ۱۲۶۵ شمسی در قزوین دیده به جهان گشود. برابر شجره‌نامه خاندان تقوی که توسط مرحوم آیت‌الله العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره) استخراج شده است، ایشان با ۲۷ واسطه از طریق زید بن علی بن حسین (ع)، به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسند. درباره وی گفته‌اند: مرحوم تقوی برای امرار معاش، از وجوهات و سهم امام (ع) استفاده نمی‌کردند و به کشاورزی اشتغال داشتند و براساس اسناد موجود، از مالکین بزرگ و یکی از تولیدکنندگان مهم گندم در قزوین بودند. (سفرنامه عتبات، هند و حج، ص ۲۵)

ایشان از طرفداران امام خمینی (ره) بودند و سال‌ها پیش از ۱۳۴۲

ارادت بسیاری به آن شخصیت بزرگوار ابراز می‌نمودند و در سخنرانی تاریخی امام راحل در مسجد اعظم قم حضور داشتند و پس از مصائب و وقایع دردناک سال ۱۳۴۲

شمسی، اشعاری در وصف انقلاب و حضرت امام سروده‌اند. (همان، ص ۲۶)

با بررسی‌های محقق مشخص شد که از مرحوم قزوینی سه اثر برجای مانده است: ۱. سفرنامه حج و عتبات (عراق و هندوستان و حجاز). ۲. رمان فرانسوی. این رمان مشتمل بر داستانی عاشقانه با شخصیت‌های فرانسوی و در حال و هوای آن کشور است که در ۱۵۲ صفحه و به خط خود نگارنده در دسترس است. ۳. اشعار (خانوادگی، سیاسی، تجویب

زمان و مسیر سفر

سفر قزوینی در روز چهارشنبه، ۱۴ شعبان ۱۳۴۰ آغاز شده و تا ۹ ربیع الثانی ۱۳۴۱ قمری به طول انجامیده است. او نخست به عتبات عالیات رفته و قبور ائمه مدفون در عراق را زیارت کرده است. برخی شهرها و مناطقی که وی از آنها عبور کرده عبارتند از: قزوین، همدان، کرمانشاه، کاظمین، کربلا، نجف، کربلا، حله و بصره. ایشان در بصره تصمیم می‌گیرد از طریق کشتی‌های بمبئی به جده سفر کند، پس از بصره به سمت بمبئی حرکت می‌کند. کشتی در این مسیر از بندر محمّره، بندر بوشهر، مسقط و دریای هند عبور کرده و به بمبئی می‌رسد. قزوینی و همراهان پس از چند روز توقف در بمبئی، در روز هفتم شوال از بندر بمبئی با کشتی به سمت جده حرکت می‌کند. پس از خروج از بندر بمبئی و حرکت در دریای هند وارد بحر احمر شده و با عبور از عدن و قُمران در روز ۲۴ شوال به جده می‌رسند. ایشان حدود دو هفته در جده اسکان داشته و در روز ۷ ذی القعدة با شتر به سمت مدینه حرکت کرده‌اند. قافله ایشان پس از طی منازل موجود در مسیر و در روز ۲۱ ذی القعدة وارد مدینه شده است. پس از چهار روز زیارت قبر پیامبر و ائمه بقیع، در روز ۲۴ ذی القعدة به سمت مکه حرکت کرده‌اند. ورود ایشان به شهر مکه در پنجم ذی الحجه بوده است و پس از به جا آوردن زیارت خانه خدا و اعمال و مناسک حج، در نوزدهم ذی الحجه برای برگشت به دیار خود به سمت جده حرکت کرده‌اند. کاروانی که ایشان در آن حضور داشته تصمیم می‌گیرند که مسیر برگشت از طریق بصره باشد، بنابراین از طریق کشتی به سمت این شهر بندری حرکت می‌کنند. قزوینی و همراهان پس از رسیدن به بصره، به قصد زیارت عتبات عالیات حرکت می‌کنند و شب عاشورا به کربلا می‌رسند. ایشان حدود دو ماه در عتبات عالیات بوده و در روز ۷ ربیع الاول به سمت قزوین حرکت می‌کند و در نهایت در روز ۹ ربیع الثانی ۱۳۴۱ قمری به قزوین می‌رسد.

منظوم). یادداشت‌هایی به سیاق شامل دست‌نوشته‌های مرحوم قزوینی است که در ضمن حدود ۵۰۰ برگه سند، صورت برداشت محصولات گوناگون، مطالب رعایای قرای مختلف، مخارج انجام شده و دیگر موارد مورد نیاز را بر حسب سال نگاشته است.

این شخصیت روحانی و دلسوز و کارگشای مردم در سال ۱۳۵۸ شمسی (یک سال پس از انقلاب اسلامی ایران) بدرود حیات گفت.

میرزا محمدحسین قزوینی در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۱ قمری با جمعی از اقوام و دوستان به سفر حج می‌رود و سفرنامه ارزشمندی از این سفر می‌نگارند که بیانگر سختی‌های زیادی است که انجام این فریضه الهی در آن زمان داشته است. تصویر نسخه خطی این سفرنامه توسط یکی از بستگان مؤلف در اختیار کتابخانه پژوهشکده حج و زیارت قرار گرفته است.

ویژگی‌های سفرنامه قزوینی

محقق در مقدمه‌ای که نوشته برخی ویژگی‌های این سفرنامه را برشمرده که عیناً برداشت‌های ایشان آورده می‌شود.

- از ویژگی‌های این متن دست‌نوشته، شکل نوشتاری و گاه‌گویی یا ویرایشی این اثر است که با آنچه در زمان ما مرسوم است متفاوت است. به کارگیری کلماتی چون «برخواستیم» به جای برخاستم، «انگریزی» به جای انگلیسی، «نردبامی» به جای نردبان، «دوچار» به جای دچار و «شلوغ» به جای شلوغ در این نوشتار به وفور دیده می‌شود. نیز حذف واو در اصطلاحات مقداری مانند «یک فرسخ نیم» به جای «یک فرسخ و نیم».

- دقت در بیان مقادیر زمانی و مسافتات. توجه ویژه به بیان مساحت‌ها و مسافتات و ساعات روز و شب، حتی به اندازه ربع ساعت و نیم فرسنگ و... برای نمونه نوشته است: «این کشتی هفده زرع الا کسری عرض اوست و یکصد بیست و پنج زرع تقریباً طول او می‌باشد و از قرار تحقیق، این کشتی در ساعت، پانزده میل که چهار فرسنگ الا کسری باشد، طی بحر می‌نماید و از بصره الی بمبئی دو هزار چهارصد چهل هشت میل می‌باشد که می‌شود ششصد فرسنگ؛ چون چهار میل انگریزی یک فرسنگ است».

- توصیف وسایل حمل و نقل. سفرنامه‌نویس به تناسب به این بخش نیز پرداخته است. گاه به صورت کلی و گاه با بیان جزئیات. وسایلی چون «شمندفر»، «درشکه»، ماشین، کشتی، دوچرخه بارکش و «واقون» را که از جمله وسایل ارتباطی عصر وی بوده معرفی و توصیف کرده است.

- توصیف آب و هوا و فرهنگ مردم و وضعیت ظاهری و تاریخ شهر.



تاریخ تفسیر قرآن

ویراسته اندرو ریپین
به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی

رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن

رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن؛ اندرو ریپین؛ به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی؛ تهران: حکمت، ۱۳۹۲.

تقسیم شده‌اند. در اینجا مروری کوتاه بر این بخش‌ها و توصیفی اجمالی از مقاله‌ها آورده می‌شود.

بخش نخست

«شکل‌گیری و تحولات تفسیر» نام دارد که خود شامل پنج مقاله است. فرد لیمهاوس در «خاستگاه‌ها و نخستین تحولات سنت تفسیر» در پی بازسازی نخستین دوره تاریخ تفسیر است و بر اساس شواهدی در نسخه خطی تفسیر مجاهد نشان می‌دهد که تثبیت سنت تفسیر در میانه قرن دوم انجام گرفته است. وی با بررسی روایات تفسیری رسیده از مفسران قرن دوم و با توجه به پژوهش‌های پیشین در مطالعات تفسیری، تلاش می‌کند نمایی کلی از تاریخ تفسیر تا پیش از تفسیر طبری به دست دهد. ادوین براکت در «ارزش قرائات حفص و ورش، برای تاریخ متن قرآن» با بررسی چند نمونه از اختلاف‌ها در دو قرائت حفص و ورش به این نتیجه مهم می‌رسد که این اختلاف‌ها به احتمال زیاد خاستگاه تفسیری نداشته‌اند و از این رو تنها برای شناخت تاریخ متن قرآن، و نه تاریخ تفسیر اهمیت دارند و این حکم را برای همه اختلاف‌های میان دیگر قرائات قرآن نیز صادق می‌داند.

جین مک اولیف در «هرمنوتیک قرآن از نگاه طبری و ابن کثیر» در پی آن است تا بر مبنای شواهد مستقیم و غیرمستقیم در جامع البیان عن تاویل آی قرآن طبری و تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر، اصول و مبانی تفسیری این دو مفسر را استنباط کند. وی از طریق تحلیل گفته‌های این دو مقدمه اثر تفسیری شان و نیز توضیحات آنها ذیل آیه هفتم آل عمران درباره محکم و متشابه، عناصری از هرمنوتیک قرآن از نگاه این دو مفسر به دست داده و آنان را از این جهت مقایسه کرده است.

مارستن اسپیت در «احادیث تفسیری در کتب سته» از طریق بررسی

در بین پژوهش‌های گوناگون درباره جنبه‌ها مختلف قرآن، مطالعه تاریخ تفسیر قرآن برای محققان حوزه مطالعات قرآنی همواره جذاب بوده است. آغاز تلاش‌های جدید و منسجم برای تحلیل تاریخی و روش‌شناختی تفاسیر قرآن را باید به حدود نیمه قرن بیست میلادی و تالیف آثاری چون التفسیر و المفسرون محمد حسین ذهبی بازگرداند. همچنین در فهرست مطالعات قرآنی غربیان در یکصد سال اخیر نیز تفسیرپژوهی جایگاهی ویژه داشته و مطالعات تفسیری بخش مهمی از این مطالعات را به خود اختصاص داده است. انتشار اثر ماندگار ایگناتس گلدتسیهر در سال ۱۹۲۱ اسلام‌شناس مجاری که با عنوان گرایشهای مسلمانان در تفسیر قرآن در سال ۱۹۲۰ به چاپ رسید، زمینه‌ساز عمده تحقیقات نسل‌های آینده در این حوزه بود.

در مقدمه کتاب، نویسنده تاریخ تفسیر قرآن کریم ریپین می‌نویسد که اثر گلدتسیهر اگرچه در زمان خود اثر شایسته‌ای بود، اما در حال حاضر کافی نیست و زمانه ما به نگارش تاریخی جدید برای تفسیر قرآن نیاز دارد.

و اما مقالات کتاب رویکردی بر تاریخ تفسیر قرآن در مجموع کاوشی است در جنبه‌های گوناگون تفسیر قرآن و کشف ظرفیت‌های هر یک از جنبه‌ها برای پژوهش آکادمیک. هر مقاله در پی معرفی و تحلیل جنبه‌ای از اصول و مبانی روش‌ها و گرایش‌ها، متون و منابع و سؤال‌ها و مسئله‌ها در حوزه پژوهشی تفسیر قرآن است. نویسندگان مقاله‌ها از استادان و صاحب‌نظران مشهور در مطالعات اسلامی و قرآنی در دانشگاه‌های معتبر غربی‌اند که هر یک مقاله‌ای مرتبط با حوزه تخصصی‌شان عرضه کرده‌اند.

توضیحات مختصری درباره سوابق علمی هریک از نویسندگان در کتاب آمده است.

نسخه انگلیسی کتاب رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن شامل یک مقدمه به قلم ویراستار و چهارده مقاله است که به چهار بخش کلی

نگارش تفسیر، بلکه با ظهور امام غایب تحقق می‌یابد.

اسماعیل پوناوالا در «تأویل قرآن از نگاه اسماعیلیه» از طریق بررسی سه متن کهن از نویسندگان مشهور اسماعیلی، از جمله قاضی نعمان، به جایگاه تأویل در نظام فکری اسماعیلیه و نیز تبیین اصول کلی تأویل قرآن پرداخته است. به گفته او نظام فکری اسماعیلیان ترکیبی جدید از عقل و وحی را نمایندگی می‌کرد که بر آموزه‌های شیعی و نوافلاطونی مبتنی بود و جایگاه والای تأویل نزد آنان حاصل تنش میان شریعت و حقیقت بود که به باطن‌گرایی و هرمنوتیک معنوی قرآن انجامید. تدلاوسن در «تفسیر به مثابه وحی: تفسیر قرآن سیدعلی محمد باب»، ضمن مروری بر زندگی باب و تعالیم شیخیه، به تحلیل آثار تفسیری باب به‌ویژه تفسیر او بر دو سوره بقره و یوسف می‌پردازد.

بخش چهارم

چهارمین و آخرین بخش با عنوان گرایش‌های جدید در تفسیر شامل سه مقاله است. آنتونی جونز در «تفسیر قرآن در دنیای مالایی: زبان ترسیم‌نمایی کلی» گزارشی تاریخی از تفسیر قرآن در اندونزی از آغاز تا دوره جدید عرضه می‌کند. فردریک دنی در «آموزش قرائت قرآن در اندونزی: بررسی زمینه‌ها و کتاب‌های راهنما» گزارشی توصیفی از فرآیند آموزش قرائت قرآن و تجوید قرآن در اندونزی و کتاب‌های رایج مرتبط با آنها به دست می‌دهد.

چارلز ادامز در «تفهیم القرآن ابوالاعلی مودودی» با بررسی مقدمه تفسیر مودودی که اصل آن به زبان اردو نوشته شده، به تبیین آرای او درباره مباحث مهم علوم قرآنی پرداخته و کوشیده است تا از طریق خوانش متن این تفسیر، مشخصه‌های اصلی آن از جمله جایگاه فقه و حدیث در این تفسیر را توضیح دهد. به گفته آدامز موضوع محوری در تفسیر مودودی مباحث اعتقادی و اخلاقی است و برخلاف آنچه انتظار می‌رود گرایش سیاسی خاصی در این تفسیر دیده نمی‌شود و مسائل صرفاً سیاسی در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

ترجمه فارسی رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن حاوی یک مقدمه و یازده مقاله است. در نسخه فارسی کتاب از مجموع چهارده مقاله انگلیسی، سه مقاله از بخش‌های دوم و سوم به دلایل مختلف حذف شده‌اند. گذشته از مقاله لاوسن درباره تفسیر علی محمد باب که به سبب برخی ملاحظات فرهنگی و اجتماعی از برنامه ترجمه کنار گذاشته شده، دو مقاله جونز و دنی درباره وضعیت تفسیر و قرائت قرآن در اندونزی عمدتاً به این دلیل حذف شدند که ترجمه آنها با توجه به نیازهای پژوهشی مطالعات قرآنی امروز جامعه ما در اولویت برنامه این مجموعه قرار نمی‌گرفت.

نگاه عالمان مسلمان به رابطه قرآن و سنت و نیز توصیف بخش‌های مربوط به تفسیر در کتاب‌های حدیثی شش‌گانه اهل سنت می‌کوشد طرز تلقی مسلمانان نسبت به متون حدیثی را در پیوند با تفسیر قرآن دریابد. مثیر قساطر در «افسانه‌ها در منابع تفسیر و حدیث: خلقت آدم و داستان» از طریق توصیف نمونه‌هایی از داستان‌ها و اخبار آدم و حوا و فرزندان آنها در متون تفسیری و حدیثی کوشیده است شیوه مواجهه عالمان مسلمان با این قبیل مطالب را بنمایاند و نشان دهد که آنان چگونه این مطالب را برای پاسخ‌دهی به پرسش‌های جدی دوره خودشان سازگار کرده‌اند.

بخش دوم

بخش دوم به گونه‌های تفسیر اختصاص دارد و شامل سه مقاله است. دیوید پاورز در «گونه تفسیری ناسخ و منسوخ قرآن» در پی فهم بهتر پدیده نسخ در سنت اسلامی است و از طریق بازخوانی منابع نسخ و بررسی برخی آیات خاص ناسخ و منسوخ در تلاش است تا طرحی کلی از تطور مفهوم نسخ تا قرن سوم هجری به دست دهد. یک از نتایج مقاله پاورز آن است که در هر نظریه جمع قرآن باید به این نکته توجه کرد که ترتیب قرارگرفتن آیه منسوخ و آیه ناسخ آن مطابق با ترتیب زمانی نزول آنهاست و تمایل عالمان مسلمان به این بوده است که در مصحف آیات منسوخ قبل از آیات ناسخ قرار بگیرند.

عیسی بلاطه در «تفسیر بلاغی قرآن: اعجاز و موضوعات مرتبط» ضمن مروری تاریخی بر مهم‌ترین متون و نظریه‌های اعجاز قرآن، زمخشری را موفق‌ترین مفسر از منظر به‌کارگیری بلاغت در فهم متن قرآن و تبیین اعجاز و زیبایی اسلوب آن دیده و از میان نظریه‌پردازان جدید اعجاز قرآن بیش از همه به بنت الشاطی و سید قطب توجه کرده است. اندرو ریپین در «متون واژه‌نگاری و قرآن» بر مبنای پژوهش استادش ونزبرو به بررسی سه گونه از متون واژه‌نگاری قرآنی، یعنی غریب القرآن، وجوه القرآن و مشتبهات پرداخته و تلاش کرده با استفاده از الگویی مدرن در گونه‌شناسی واژه‌نامه‌ها، به معیارهای کارآمد برای دسته‌بندی این متون دست یابد.

بخش سوم

بخش سوم با عنوان «فرقه‌ها و تفسیر» حاوی سه مقاله است. محمود ایوب در «قرآن ناطق و قرآن صامت: پژوهشی در اصول و تحولات تفسیر شیعه امامیه» با تبیین تلقی شیعیان از امام در پیوند با وحی، و مروری گذرا بر تاریخ تحولات تفسیر شیعی در پی آن است تا طرحی کلی از اصول تفسیر نزد شیعه امامیه به دست دهد. ایوب با استناد به متون قدیم و جدید تفسیر شیعه، توضیحات مفسران مشهور امامی را در درباره آیه تبلیغ گزارش کرده و در پایان به این نتیجه رسیده است که تفسیر شیعی جریان مستمر و بی‌انتهای و گره‌خورده با شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه دینی بوده است که فرجام حقیقی آن نه با